

شوند. اظهارات مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، همچنین گزارش‌های اولیه نیویورک تایمز و سی.ان.ان درباره کم‌تر بودن حملات آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و اینکه تهران می‌تواند بار دیگر برنامه هسته‌ای خود را در مدت کوتاهی بازیابی کند، همچنین ارزیابی اخیر نهادهای اطلاعاتی اسرائیل از اینکه بخشی از اورانیوم غنی‌شده ایران در اثر حملات، دست‌نخورده باقی مانده، سبب درگرفتن مناظرات مهمی در داخل آمریکا و اسرائیل شده است. به گفته رافائل گروسی: «حملات آمریکایه ایران نتوانسته به برنامه هسته‌ای این کشور آسیب کامل وارد کند و تهران می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را «طرز چندماه» از سر بگیرد». دیدگاهی که با ادعاهای دونالد ترامپ، مبنی بر اینکه آمریکا برنامه هسته‌ای تهران را ده‌ها به عقب انداخته، در تضاد کامل قرار دارد. گروسی همچنین در مصاحبه‌ای با شبکه خبری سی.بی.اس تصریح کرد: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در برابر فشارها برای اعلام اینکه آیا ایران پیش از حملات اسرائیل و آمریکا، سلاح هسته‌ای در اختیار داشته یا نزدیک به تولید آن بوده، مقاومت کرده است.» این سخن آخر گویای آن است که حامیان حمله نظامی به مانند مورد عراق در سال ۲۰۰۳ کوشیده‌اند با تحت فشار قراردادن یک نهاده بین‌المللی برای عرضه گزارشی همسو با سیاست تهاجمی خود، بستر گفتمانی لازم برای توجیه اقدام نظامی را فراهم کنند. با گذشت هفته‌ها از حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، همچنان ارزیابی دقیق از اثرگذاری حملات بر برنامه هسته‌ای ایران محل اختلاف است.

صرف‌نظر از اختلافات موجود که به‌نظر می‌رسد در هر حمله نظامی به‌ویژه به تأسیسات زیرزمینی و هسته‌ای اجتناب‌ناپذیر است، آنچه مهم می‌نماید: برداشت ترامپ و مقامات آمریکا از اثرگذاری حملات بر محاسبات رهبران جمهوری اسلامی ایران است. از اظهارات ترامپ چنین برمی‌آید که او با خشنودی از نتایج حاصل، بر این باور است که اکنون در مقایسه با زمان پیش از حملات نظامی، بستر مساعدتری برای انجام توافق فراهم شده است. با چنین برداشتی، ترامپ در پی آن است تا پیروزی نظامی متصور را به دستاوردی استراتژیک تبدیل کند. از نظرگاه ترامپ، این دستاورد استراتژیک از طریق دیپلماسی امکان‌پذیر است و دستیابی به سه هدف مهم را شامل می‌شود: نخست، توقف غنی‌سازی و حتی بر چیده‌شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران. دوم، اعمال محدودیت‌های سختگیرانه بر توان موشکی و در نهایت، توقف حمایت ایران از گروه‌های نظامی در منطقه. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید بار دیگر امکان بازرسی‌ها از سایت‌های هسته‌ای را فراهم و به‌ویژه سرنوشت اورانیوم غنی‌شده موجود را مشخص کند. ترامپ بر این باور است که تهدید نظامی می‌تواند رهبران ایران را وادار به پذیرش توافق و خواسته‌های غرب کند. گرچه ترامپ همچنان توفاق را ترجیح می‌دهد اما به سبب اطمینان به توان نظامی و کارآمدی آن، خواسته‌های حداکثری از ایران را طلب خواهد کرد.

آنچه مسیر تحقق این سناریو را با مانعی جدی مواجه خواهد کرد، سوءبرداشت ترامپ از اثرگذاری حملات نظامی بر محاسبات رهبران ایران، عدم‌پذیرش خواسته‌های غرب از سوی تهران، همچنین تحرکات و تحریکات نتانیاهو برای بهم‌زدن امکان توافق و اطمینان‌دهی به ترامپ درباره امکان انجام اقدام نظامی گسترده‌تر و کارآمدتر است. گفته آمد که ترامپ و حتی کشورهای اروپایی همچنان دیپلماسی را بر گزینه نظامی ترجیح می‌دهند اما ترسیم این پیش‌بینی که در فقدان یک توافق جامع، اقدام نظامی همچنان امکان‌پذیر و در دسترس است، سبب می‌شود تا ترامپ توفاق با هر قیمتی را دنبال نکند.

سناریوی دوم: تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه:

دومین سناریوی احتمالی غرب در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران خواهد بود. این اقدام به‌عنوان مکملی برای سناریوی نخست، عمل خواهد کرد. انتظار می‌رود سه کشور اروپایی عضو برجام با استناد به گزارش پیشین، همچنین گزارش آینده سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، ضمن تهدید به رای‌ج‌پرورنده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، از فعال کردن مکانیسم ماشه و در نتیجه بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان اهرم فشاری برای ترغیب ایران به انجام توافق استفاده کنند. در این بین امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با تلاش برای ایفای نقش فعال‌تر

شبه‌نظامیان شیعه است که پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ شکل گرفتند، برو می‌گوید: «عراق همچنان یک اولویت امنیتی برای ایران باقی خواهد ماند و ایران متحدانش را در آنجا رها نخواهد کرد، گرچه ممکن است منابع کمتری صرف آن‌ها کند.»

گسترش حضور ترکیه در عراق در چندین جبهه با منافع ایران بر خورد می‌کند، از جمله تلاش آشکارا برای نزدیک‌سازی بغداد و دمشق — ابتکاری که تهران آن به بادبینی می‌نگرد. بیلگای دومان، تحلیلگر ترک که در زمینه روابط عراق و ترکیه تخصص دارد، می‌گوید: «ایران احتمالاً از تلاش‌ها برای تقویت روابط میان ترکیه، عراق و سوریه استقبال نخواهد کرد.» السودانی در ۱۶ آوریل در دوحه

با احمدالشرع، رئیس‌جمهور سوریه، دیدار کرد؛ این نخستین دیدار علنی میان بغداد و دمشق پس از سقوط خاندان اسد بود. تقویت روابط بغداد و دمشق می‌تواند نفوذ منطقه‌ای ایران را به حاشیه براند، چراکه پیوندهای عربی را تقویت می‌کند. در زمان اسد، دمشق بخشی از «هلال شیعی» بود که ایران را به متحدان شیعه‌اش در عراق، سوریه و لبنان متصل می‌کرد. اما الشرع — که با رهبری گروه اسلام‌گرای سنی «هیئت تحریرالشام» اسد را ساقط کرد — تمرکز بیشتری بر احیای روابط با کشورهای عربی دارد.

اروپا با مقامات تهران گفت‌وگوهایی را انجام داده است. مکررون در تماسی تلفنی با مسعود پزشکیان، خواستار بازگشت ایران به مذاکرات هسته‌ای و موشکی، همچنین پایبندی ایران به معاهده منع گسترش (ان.پی.تی) شد. افزون بر این، مکررون با صراحتی تمام خواستار ازسرگیری سریع فعالیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران شد تا از این مسیر، شفافیت کامل تضمین شود. مکررون احترام به آتش‌بس میان ایران و اسرائیل را گامی مهم برای بازگرداندن ثبات به منطقه دانسته و در اظهارات خود مدعی شد که تلاش‌ها برای تحقق اهداف اعلامی را در همکاری با سایر کشورهای اروپایی و متحدان ادامه خواهد داد. مقامات بریتانیا و آلمان نیز هرکدام در اظهارات و بیانیه‌هایی جداگانه ضمن درخواست التزام ایران به آتش‌بس برقرارشده، از جمهوری اسلامی ایران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کوشش برای دستیابی به یک توافق جامع را طلب کردند. این سیاست در هماهنگی کامل با خواسته‌های دولت ترامپ انجام می‌شود. سه کشور اروپایی عضو برجام با اتکاء به نگرانی‌های خود از برنامه هسته‌ای، همچنین برنامه‌موشکی ایران، برآندند نقشی فعال‌تر را در مذاکرات احتمالی برعهده گیرند. انتظار می‌رود با نزدیک‌شدن به زمان پیش‌بینی‌شده برای امکان فعال‌سازی مکانیسم ماشه، کوشش سه کشور اروپایی در ترغیب ایران برای از سرگیری مذاکرات و دستیابی به یک توافق جامع، تشدیدشود.

سناریوی سوم: احتمال از سرگیری موج دوم حملات نظامی: سناریوی سوم که غرب از انجام آن تا بدان‌جا که ممکن است اجتناب می‌کند، موج دوم حملات نظامی علیه ایران خواهد بود. به‌نظر می‌رسد آمریکا و اسرائیل همچنان برای انجام چنین عملاتی آمادگی دارند. موج نخست حملات نظامی، گرچه هزینه‌های سنگینی را برای اسرائیل در پی داشته اما به‌نظر می‌رسد دستاوردهای حاصل از آن، انجام موج دیگری را قابل‌پذیرش کرده است. ارزیابی‌های دولت ترامپ و سران اسرائیل، انجام اقدام نظامی دیگر را در افق دید آنها قرار داده است. برخی تحلیلگران بر این باورند که برداشت آمریکا به‌ویژه اسرائیل از موفقیت‌های نظامی حاصل از موج نخست حملات، می‌تواند اقدام نظامی بعدی علیه تهران را تسهیل کند. تحلیلگر گاردین با طرح این پرسش که چه‌کسی واقعاً باور می‌کند که نتانیاهو به‌راحتی از «اتسلاط» بر حریم هوایی ایران دست‌بکشد؟ بر این باور است که بعید به‌نظر می‌رسد نتانیاهو بتواند در برابر وسوسه هدف قرار دادن دوباره ایران مقاومت کند. از نظر این تحلیلگر، حملات نظامی علیه ایران افزون بر دستاوردهای امنیتی، از منظر سیاسی نیز برای نتانیاهو سودمند است. طبق گزارش‌ها، نتانیاهو اکنون در حال بررسی احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام است. شاید او امیدوار است که دستاوردهایش در حمله به ایران، شکست‌دهایش در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و آزادکردن گروگان‌ها از سوی حماس را تحت‌الشعاع قرار دهد.

افزون بر نتانیاهو، ترامپ نیز برای ازسرگیری احتمالی حملات نظامی، انگیزه‌های نیرومندی دارد. افزایش فشارهای داخلی و تشدید اختلافات برسر کارآمدی حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران و مقاومت قابل انتظار ایران در برابر درخواست برای توقف غنی‌سازی در داخل، هرکدام می‌تواند دلیلی برای حمله نظامی فراهم کند. در کنار این دو عامل، باید به نقش عوامل مذهبی نیز اشاره کرد که در تحلیل‌ها کمتر بدان اشاره شده است. تصمیم ترامپ برای بمباران ایران تاکنون تقریباً منحصرأ از درجه سیاست یا استراتژی نظامی بررسی‌شده است. با این حال، یک بُعد مذهبی در تصمیم او (و آنچه ممکن است در آینده اتفاق بیفتد) وجود دارد که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد آمریکا در قبال ایران و اسرائیل ممکن است صرفاً ناشی از ارزیابی دقیق ژئوپلیتیک نباشد. برخی محققان مذهبی بر این باورند که سیاست ایالات‌متحده آمریکا در خاورمیانه در کنار منافع امنیتی و سیاسی، همچنین تحت‌تأثیر آموزه‌های بحث‌برانگیز یک روحانی ستنیزه‌جوی انگلیسی-ایرلندی قرن نوزدهم و مجموعه‌ای از کتاب‌ها و فیلم‌های مسیحی در باره آخرالزمان است. به گفته تحلیلگران مذهبی، اقدام ترامپ نشان می‌دهد که این باورهای الهیاتی، اموری انتزاعی نیستند؛ آنها پیامدهای مستقیم، خطرناک و مرگباری دارند. انجیلی‌های سفیدپوست که درگیری آمریکا با ایران را در درجه نخست یک نبرد معنوی و نه سیاسی می‌دانند، معمولاً انگیزه‌های مختلفی دارند. برخی بر این باورند که ترامپ «برگزیده» خداست

که سال گذشته از ترور نجات یافت تا وظیفه الهی خود-یعنی حفاظت از اسرائیل-را انجام دهد. نمونه‌ای از این باور را می‌توان در پیام مایک هاکبی، انجیلی برجسته، فرماندار سابق آرکانزاس و سفیر کنونی دولت ترامپ در اسرائیل مشاهده کرد. در این پیام که توسط ترامپ در رسانه‌ها به اشتراک گذاشته شد، هاکبی با اشاره به دو سوءقصدی که ترامپ سال گذشته از آنها جان سالم به‌دربرد، می‌گوید: «خدا ترامپ را حفظ کرد تا مهم‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا در یک قرن و شاید حتی یک دوران باشد.» هاکبی در ادامه پیام خود با عباراتی عجیب تأکید می‌کند: «من به غرایز تو (ترامپ) اعتماد دارم؛ چراکه من معتقدم، تو از بهشت صداهایی می‌شنوی و اینکه تو این لحظه را جست‌وجو نکرده‌ای بلکه، این لحظه است که تو را جست‌وجو کرده است.»

سناتور جمهوری خواه، تد کروزر نیز در مصاحبه اخیر خود در دفاع از حمله نظامی اسرائیل به ایران با اشاره به آیهای از کتاب مقدس مدعی شد: «در دوران کودکی و در روزهای کشیکه‌ی از کتاب مقدس می‌آموختم که هرکس اسرائیل را برکت دهد، برکت خواهد یافت و کسانی که اسرائیل را نفرین کنند، نفرین خواهند شد.» او از مضمون این آیه کتاب مقدس، برای حمایت از پشتیبانی و مشارکت ترامپ در حمله نظامی اسرائیل علیه ایران بهره برده است. از نظرگاه پژوهشگران مذهبی، بمباران ایران، جایگاه ترامپ را به‌عنوان «برگزیده» خدا در بین بسیاری از حامیان انجیلی سفیدپوست رئیس‌جمهور آمریکا تقویت خواهد کرد. به‌باور این پژوهشگران، بسیاری از این هواداران، خطرات یک جنگ بزرگ‌تر را رد می‌کنند، زیرا چنین درگیری به‌معنای نزدیک‌شدن جهان به «آخرالزمان» است. به گفته این پژوهشگران در توصیف نگرش‌های برخی از انجیلی‌های سفیدپوست: «تقریباً نوعی اشتیاق معنوی برای جنگ در خاورمیانه وجود دارد.» آنها معتقدند که یک جنگ باعث ایجاد مجموعه‌ای از وقایع خواهد شد که منجر به بازگشت عیسی مسیح خواهد شد. ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، حمایت حدود ۸ نفر از ۱۰ رأی‌دهنده مسیحی انجیلی سفیدپوست را به‌دست آورد و در نظرسنجی سی.ان.ان پس از حملات هوایی به ایران، ۸۷ درصد از جمهوری‌خواهان گفتند که به ترامپ اعتماد دارند که درباره استفاده آمریکا از زور علیه ایران، تصمیمات درستی بگیرد.

تحول مهم دیگری که می‌تواند ترامپ را به انجام حمله نظامی مجدد به ایران ترغیب کند، همراهی حامیان جنبش ماگا از اقدام نظامی و باور به اثرگذاری آن است. در اثر رقابت‌ها و اختلافات شدید حزبی در آمریکا، بر سر مطلوبیت و اثرگذاری حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، حامیان جنبش ماگانیز به‌رغم انتقادهای اولیه از ترامپ، اکنون از او حمایت و خبرگزاری‌ها را به انتشار اخبار دروغین متهم می‌کنند. چنین تحولی، یکی از مهمترین موانع ترامپ برای توسل به گزینه نظامی را رفع خواهد کرد. ترکیب باور به کارآمدی گزینه نظامی و باورهای مذهبی و همراهی حزبی، می‌تواند بستری شوم را برای اقدام نظامی ترامپ علیه ایران فراهم کند.

نتیجه‌گیری: آتش‌بس حاکم بر تنش نظامی ایران با اسرائیل و آمریکا، تفاهمی ناپایدار و وضعیتی شکننده است. با در نظر داشت این واقعیت که تضاد منافع ایران و غرب نه تضادی حقوقی و فنی برسر جزئیات برنامه هسته‌ای، بلکه تضادی امنیتی و سیاسی بر سر ترتیبات نظم امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه است، تنها راه تضمین یک ثبات پایدار و عاری از تنش نظامی، دستیابی به یک توافق امنیتی جامع است که در آن دو طرف بر سر قواعد حاکم بر مناسبات امنیتی به یک تفاهم دست یابند. چگونگی حصول این تفاهم و دستاوردهای هر یک از دوسوی منازعه را نیز تنها منطق توازن قدرت تعیین خواهد کرد. ایران و غرب باید بر اساس برداشتی واقع‌بینانه از موازنه قدرت در منطقه، حدود مرزهای نظم امنیتی مطلوب خود را ترسیم کنند. بی‌تردید در چنین شرایطی غرب نه با اتکاء به حقوق بین‌الملل و معاهدات بین‌المللی همچون معاهده منع گسترش، بلکه با اتکاء به توان سیاسی، اقتصادی و مهم‌تر از آن قدرت نظامی برای دستیابی به اهداف امنیتی مدنظر خود اقدام خواهد کرد. می‌توان انتظار داشت که جبهه واحد غرب با عطف‌نظر به امکان پذیر بودن توسل مجدد به گزینه نظامی، بیشترین کوشش خود را برای وادارکردن ایران به پذیرش یک توافق جامع به‌کار خواهد گرفت. با وجود این، شکست در حصول این توافق یا نارضایتی از سطح امتیازات، صحنه خاورمیانه را برای جنگی دیگر آماده خواهد کرد.

آذربایجان احتمال تغییر موضع ایران را افزایش داده است.

به گفته علی واعظ، در صورتی که ترکیه مسیر اجرای دالان زنگرور را دنبال کند، ایران هم بدون اهرم نیست. واعظ می‌گوید: «اگر ترکیه این لحظه ضعف ایران را فرصتی برای تحقق دالان زنگرور ببیند، ایران ممکن است کارت‌گردی را به‌عنوان ابزار فشار علیه ترکیه بازی کند.» هر چند هر دو کشور جدایی طلبی‌گردي را تهدیدی برای تمامیت ارضی خود می‌دانند، اما این مانع نشده که هر یک، در موافقی که منافع‌شان ایجاب کرده، از جمعیت کرد کشور مقابل بهره‌برداری نکنند. آنکارا مدت‌هاست که تهران را به عدم همکاری مؤثر علیه حزب کارگران کردستان (PKK) متهم می‌کند. PKK بیش از چهار دهه علیه ترکیه جنگیده تا به خودمختاری برسد، اما در ماه مه پایان مبارزه مسلحانه خود را اعلام کرد. فرآیند صلح فعلی میان آنکارا و PKK که این هفته با خلع سلاح نمادین آغاز شد، در صورت دخالت ایران ممکن است به خطر بیفتد. با این حال، در پی جنگ اخیر، ایران که نسبت به مداخلات خارجی در شرایط شکننده کنونی خود (در داخل و خارج) حساس‌تر شده، ممکن است پیش از گذشته تمایلی به همکاری با ترکیه نداشته باشد. واعظ در پایان می‌گوید: «برداشت ایران این است که بخش عمده‌ای از دستورکار اسرائیل، بی‌ثبات‌سازی و سوق دادن کشور به جنگ داخلی بر مبنای خطوط گسل قومی-مذهبی است.»

دیپلمات‌ها



اسنپ‌بک موضوعیت ندارد

سختگوی وزارت امور خارجه گفت: «با توجه به حملات به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، استفاده از سازوکار برجام فاقد هرگونه موضوعیتی است. بنابراین، تهدید به استفاده از سازوکار پس‌گشت صرفاً یک کار سیاسی و در تقابل با جمهوری اسلامی ایران است که طبیعتاً با پاسخ متناسب و مقتضی مواجه خواهد شد.» اسماعیل بقایی، درباره مکانیسم اسنپ‌بک و تهدید اروپا برای فعال‌سازی آن گفت: «سازوکار موسوم به «پس‌گشت» هیچ مبنای حقوقی، سیاسی ندارد و ما بیش‌تر نیز بارها این را اعلام کرده‌ایم و با توجه به تحولات اخیر، توسل به چنین سازوکاری بیش از پیش بی‌اساس و فاقد مبنای حقوقی و سیاسی و اخلاقی بوده و صرفاً ابزاری‌سازی از امکانی است که بنابر دلایل مشخص در قطعنامه ۲۲۳۱ برجام گنجانده شد که هیچ توجیهی ندارد.» وی ادامه داد: «جمهوری اسلامی ایران همچنان خود را عضو برجام می‌داند و کاهش تعهدات و انکشی به نقض‌های فاحش آمریکا و سایر طرف‌ها بود.» بقایی تأکید کرد: «طرف‌های اروپایی که مدام درصدد استفاده ابزاری از این سازوکار هستند، خود تعهدات اساسی‌شان را نقض کرده‌اند و بنابراین جایگاه حقوقی و اخلاقی برای توسل به این سازوکار را ندارند.»



هیچ بازرسی از آژانس ایران نیست

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت خارجه ایران گفت: «در حال حاضر هیچ بازرسی از آژانس در ایران وجود ندارد.» وی افزود: «مصوبه مجلس مشخص است و بر اساس این مصوبه، همکاری‌های ما با آژانس به حالت تعلیق در می‌آید.» وی ادامه داد: «با تحقق برخی از شروط، بر اساس مصوبه مجلس تصمیم‌گیر نهایی برای هر نوع همکاری ایران با آژانس بر عهده شورای عالی امنیت ملی است و ما این موضوع را به آژانس اطلاع داده‌ایم و آژانس هر تقاضایی از ما داشته باشد مبنای تصمیم‌گیری در ارتباط با آن شورای عالی امنیت ملی است.» وی تأکید کرد: «در ایران در حال حاضر هیچ بازرسی از آژانس در ایران حضور ندارد.» غریب‌آبادی در مورد اظهارات مدیرکل آژانس در ارتباط با بازدید از تأسیسات ایران ادامه داد: «بیشترین گزارش‌های بازرسی آژانس در مورد تأسیساتی بود که آمریکا به آنها حمله کرد، آنها اکنون این تأسیسات را زده‌اند و با توجه به این شرایط بازرسان می‌خواهند آنجا چه کار کنند؟»



تهران و واشنگتن باید گفت‌وگو کنند

فرانکو‌والتر اشتاین‌مایر، رئیس‌جمهور آلمان در گفت‌وگویی بیان کرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به دلیل خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای برجام در دولت اول خود در سال ۲۰۱۸، در افزایش تنش‌های هسته‌ای با ایران نقش دارد. خبرگزاری دویچه‌وله گزارش داد اشتاین‌مایر که در زمان مذاکرات هسته‌ای با ایران وزیر خارجه آلمان بود، در گفت‌وگویی با شبکه «زدی اف» آلمان درباره حملات متجوزانه به تأسیسات اتمی ایران هشدار داده که چنین عملیاتی را نمی‌توان هر چند سال یک‌بار تکرار کرد، بلکه «ضروری است که طرفین وارد گفت‌وگوهای سیاسی شوند.» رئیس‌جمهور آلمان از آمادگی تهران و واشنگتن برای ازسرگیری مذاکرات استقبال کرده و آن را «روزنه‌ای مهم» برای مهار بحران دانسته است.